

منحنی قدرت در اندیشه های متفکران خشونت پرور!

لژیون اسلامی در خدمت قذافی و جنگجویان القاعده در اختیار أسامه بن لادن!

قسمت سوم



محمد امین فروتن

چنانچه در باز بینی نقاط مهم و کارنامه های چندین دهه نهضت سیاسی و اجتماعی اخوان المسلمین مصر قبلاً نوشتیم و یاد آوری نمودیم که نهضت آزادی خواهی و ضد استعماری در خاورمیانه ای که همچون دیگ جوشان و تیغ برنده ای بر گلون دیکتاتورهای نامدار حاکم بر خاورمیانه فرود می آید درست از آنجا آبیاری می شود که **محمد عبده** پیرو صادق و صاف اندیش مکتب علامه سید جمال الدین افغانی که شعارش بازگشت همه مسلمانان به قرآن و «گذشته خویش» بود به شمال افریقا آمد و همه علمای اسلامی را گرد هم آورد و آنها را به جای غرق شدن در فلسفه های کهنه و علوم تاریخی قدیمه و انحصار در فقه و اصول و کلام و طرح مسائل خرافی بنام موضوعات استخاره ای و موشگافی های افراطی و ذهنی در احکام فرعی، دعوت کرد که همه به سراغ قرآن بروید و از تمامی علوم قدیم و جدید، اسلامی و غیر اسلامی برای فهم درست و آراسته از قرآن این "پیام" الهی کمک و یاری طلبید؛ و بکوشید تا مردم منحنط و استعمار زده و مذهبی های گرفتار خرافه و تعصب و جهل با مفهوم حقیقی قرآن به مثابه کتاب آگاهی و معرفت آشنا سازید. از آن زمان که اسلام دوباره بحیث دین آگاهی و زندگی مطرح شد و در میان مراکز آموزشی، علمای مذهبی و روشنفکران و مبارزان آزادی خواه بصورت یک برنامه حاد حیاتی و اصلی گسترش یافت و ثمره این ابتکار این شد که قرئت و برداشت حاکم از مذهب که تا آن هنگام افکار را تخدیر میکرد و از شومی سرنوشت خویش که اسارت مختوم فکری در برابر استعمار گران تلقی می شد به عامل بیداری، خرد و خود آگاهی و قدرت معنوی و وحدت بشر مبدل گشت.

یکی از نمایان ترین و محسوس ترین تأثیرات و عوارضی که با انشعابات گوناگون تشکیلاتی بر تنه مجروح مگر تنومند جنبش اخوان المسلمین مصر بجا ماند همانا تقرب گام به گام تشکیلات این جنبش با افکارواندیشه های هم آهنگ با قرئت رحمانی و انسانی دینی از بنیانگذارانی مانند **علامه سید جمال الدین افغانی ، شیخ محمد عبده ، امام حسن البنا** ، و ده ها داعی و مرشد دیگری از این حرکت بزرگ سیاسی بود که بر سرنوشت تاریخی بویژه عقیدتی این حرکت بزرگ در خاورمیانه تأثیر فوق العاده ای گذاشت . درپرتو چنین تاریخ پرماجرایی حرکت اخوان المسلمین مصر کاملاً بی معنی خواهد بود که حرکت های اصیل و مردمی ای که امروز سراسر خاورمیانه را به شورش درآورده است از **جنس تحجر** و نمادی از **"گفتمان طالبانی"** به شمار آوریم و یاهم وقتی درباره ریشه ها و انگیزه های ظهور این جهش بزرگ تاریخی مشرق زمین به گفتگو می پردازیم و یاهم مقاله ای و مطلبی را برشته تحریردرمی آوریم و لزوماً مطالعه دقیق نهضت اخوان المسلمین مصر و یاهم سائر جنبش های بزرگ تاریخی **"چپ"** و **"راست"** مدنیت باستانی **"نیل"** را به بررسی باید بگیریم علل ظهور و سقوط نهضت های اجتماعی و سیاسی را نه با معیار های زمان حاضر بلکه با شرائط فرهنگی و سیاسی حاکم بر عصری و روزگاری که در قلمرو آن جریانات و حرکت های بزرگ و تحول طلبی پرورش یافته و تکامل کرده اند اکیداً در نظر باید گرفت .

نگاهبانان خشونت یا ستون پنجم استعماردرنهضت های آزادی بخش کشورهای عربی !

برخلاف تحلیل های معیوب شیفته گان تجدد که عقل شان به چشم شان است و از درد مصنوعی و مزمن معده رنج میبرند!! معتقد شده اند که بسیاری از رازهای پوشیده ای از تاریخ کشورهای خاورمیانه را به نیروی فراست نبوغ آمیزشان کشف کرده و دریافته اند : از آنجا ئیکه دکترین و استراتژیی نهضت اخوان المسلمین مصر با خشونت و گفتمان طالبانی استواراست لهذا نباید به آنده ی جنبشی که از سرتا سرخاورمیانه بر ضد نظام های دیکتاتوری برخاسته اند چندان امید وار بود . ! برخی از تحلیل گران و کارشناسان کرائی این جماعت که با بهاری شدن هوا از خواب زمستانی عافیت گویان بر میخیزند ؛ وقتی سخنان بارک اوباما Barak Obama رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا بویژه تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر اعلام پرواز ممنوع حریم فضائی کشور لیبی را درحمایت از مردم به پا خاسته کشورهای عربی شنیدند و مرور نمودند بلا درنگ **داد و بیداد** رسانه ای را براه انداختند و به زعم شان در جهت منصوب دانستن این حرکت خود جوش توده های فقیر با نظام " سرمایه داری جهانی " به **"برهان قاطع"** ! ! دست یافته اند درحالیکه مسأله انگیزه ء ایجاد حرکت های آزادی بخش و اصلاح طلب خاور میانه باید **یکجا** و **درکنار** بسیاری از نهضت های جهان منجمله حرکت های استقلال طلب در ایالات متحده امریکا و اروپای قبل و بعد از رؤسانس و حکومت کلیسأ در حوزه تمدنی روم و یونان باستان حتی حرکت های استقلال طلب و آزادی خواه در نیم قاره

هند مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند . زیرا نه میتوان با مطالعه یکجانبه و مجرد حرکت های اجتماعی و سیاسی در امر پژوهش های علمی و تاریخی به نتایج مطلوبی دسترسی یافت . چنانچه هیچ کسی تصور نه میکرد که روزگاری و با این زودی مردی از نژاد سیاه پوستان که در میان اکثریتی از سفید پوستان امریکا، نژاد « پست » و از لحاظ حقوقی در درجه دوم به حساب می آمد به بلند ترین مقام رهبری یعنی مقام ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا که در عین حال مقام سر فرماندهی ارتش آنکشور را نیز شامل میبشد نائل آید . اما با صد تا سَف که همین تحلیل گران و روشنفکرانی که از وارونه جلوه دادن تکامل اجتماعی و تاریخی حرکت های آزادی بخش دنیا بویژه حرکت های ملی و مذهبی کشورهای عربی و خاورمیانه نان میخورند و نام کسب میکنند داستان های هزارویکشب قدیم را در تحلیل های سیاسی خویش مبنی بر شناخت بزرگترین نهضت سیاسی و اجتماعی مانند اخوان المسلمین مصر نیز بلا وقفه می سرآیند و قضاوت میکنند که با به قدرت آمدن اخوانی ها!! گویا زنان بصورت اجباری مجبوره به پوشیدن حجاب خواهند شد و دیگر از هیچگونه موسیقی و هنر خبری نخواهند بود . و دهها موارد دیگری که جهان را از آفت به قدرت آمدن گروه های اسلامی بویژه اخوان المسلمین مطلع می ساختند .

در راستای این چنین تحلیل های کج اندیشانه و بیمار یکی از کارشناسان و تحلیل گران صاحب نامی از جهان عرب در گفتگو با رادیو BBC وقتی بصورت یک جانبه با دغدغه مهمی که از خطرات به قدرت آمدن اسلام گرایان مصری به استدلال می پرداخت گفتند که با به قدرت آمدن اسلام گراها ی که اکنون در مقابل رژیم مبارک می رزمند چنان وضعیت احتتاق آوری بر سایه مردم و تمدن مصر باستانی سایه خواهند انداخت که حتی دیگر از منوی رستوران ها و هتل ها « مشروبات الکلی » بصورت عموم حذف خواهند شد و گارسونها دیگر به مهمانان الکل و مشروبات را سرویس نخواهند کرد !!

جای تعجب آنگاه و آنجاست که همین فورمول ثابت و ساکت در باره احزاب و سائرجنبشهای سیاسی و اجتماعی چپ که در طول و عرض تاریخ و جغرافیای دیگری از دنیا و با انگیزه های دیگری گاه گاهی به مشاهده میرسند هیچگونه مطابقت نداشته است . زیرا دیدگاه ها و برخوردهای چنین تحلیل گران رسمی با میزان و معیار دیگری استوار است و در آن از رسوبات تحلیل های موهوم و غیر واقعی خبری نیست به هر حال از اینکه اکنون در این زمینه فرصت ارائه تفصیل بیشتر وجود ندارد بحث بر آنرا به یک فرصت دیگری موکول میسازم .

اما اکنون دوباره رشته سخن را از همان جایی که از دست داده بودم پی میگیریم . چنانچه قبلاً در مبحث نخستین انشعابات فکری از بدنه تشکیلات اخوان المسلمین مصر اشاره نمودیم برخلاف دیدگاه رائج مادی در باره انشعابات در بزرگترین نهضت های اجتماعی و سیاسی جهان که بر رجحان به منافع مادی و نادیده گرفتن مؤلفه های معنوی استوار است در نگاه و بینیش اکثریتی از نهضت های سیاسی و اجتماعی دینی منجمله جنبش

اسلامی اخوان المسلمین مصر و یا هم سائر نهضت های استقلال طلب در خاورمیانه را مسأله جهان بینی و نگاه به مؤلفه های توحید و شرک تشکیل می دهد . لهذا باید گفت که مسأله انشعابات ، جدائی ها و وصلت های سیاسی و اجتماعی در تمامی حرکت های آزادی بخش اجتماعی بروی همین اصل تکیه دارد. بویژه هنگامی که جهان را به چند بلاک مخصوصی مهندسی و تقسیم بندی کرده بودند و همه جناح های اعتقادی و اجتماعی در تقویه بخشیدن به بلاک خاص خودشان مشغولیت داشتند ، لهذا بروی چنین انگیزه و در مطابقت با این اصل که توجه به مذهب به عنوان قوی ترین انگیزه برای گرائیش به ایمان در نسل جوان مبدل می شود برای نخستین بار از بطن شرائط تاریخی جهان بویژه خاورمیانه جرقه های یک آتشفشان **خونینی** بنام « **جهاد اسلامی مصر** » از بدنه نهضت بزرگ اخوان المسلمین مصر که ریشه در اندیشه های شیخ محمد عبده و بالاخره افکار فلسفی و انسانی علامه سید جمال الدین افغانی داشت همه دنیای مسالمت جو بویژه روشنفکران دینی دنیا را تکان داد و این لرزش آنگاه که **خالد بن احمد شوقی اسلامبولی** یکی از اعضای برجسته « **جهاد اسلامی مصر** » بتاريخ ۶ اکتوبر ۱۹۸۱ میلادی به اتهام ترور انور سادات رئیس جمهوری مصر بازداشت گردید و بروز ۱۵ آپریل ۱۹۸۲ محکوم به اعدام شد اکثر مسلمانان نواندیش جهان را به حیرت واداشت و جهاد اسلامی مصر را که برای نخستین بار بر مبنای برداشت و قرئت متحجرانه از اسلام توسط یک پزشک مصری بنام ایمن الظواهری که در ماه جون ۱۹۵۱ در شهر قاهره چشم به جهان گشود بنیاد گذشته شد ، مسؤل این عمل تروریستی دانسیستند اما شواهدی که پس از اتمام جنگ رویاروی میان شرق و غرب و انهدام امپراطوری سرخ از سوی منابع امنیتی و استخباراتی جهان غرب به نشر رسید حکایت از این دارد که در از میان بردن و قتل انور سادات نیز مشابه با حوادثی که در همان زمان و درست در همان دهه ای از تاریخ درپاکستان رخ داد و منجر به قتل جنرال ضیاًالحق دیکتاتور نظامی پاکستان گردید دخالت شبکه های استخباراتی غرب دوراز امکان نبوده است . با همه این حال و احوال آوردن و انتقال جنگجویان عرب به جبهه نبرد افغانستان که به نبردگاه بزرگی از شرق و غرب تبدیل شده بود و بسیاری از عوامل دیگری به شمول جهاد برحق مردم متدین و ستمدیده افغانستان زمینه های سقوط بزرگترین قدرت اشغالگر زمان یعنی اتحاد جماهیر شوروی را فراهم ساخت با تلقی کردن ختم مأموریت امریکا در منطقه که خود زمینه ساز بسیاری از حوادث و وقائع درد ناک گردید، این حقیقت را بر ملامیسازد که برخلاف تحلیل های عوامانه و ساده اندیشانه برخی از نامدار ترین تحلیل گران و صاحب نظران امور سیاسی درباره ترکیب هیأت مدیره شرکت سهامی افغان که بنام قدرت حاکم بر سرنوشت مردم افغانستان امر و نهی می فرمآند و در افاق تجارت بین المللی جامعه جهانی نیز بصورت مجعول بنام « دولت جمهوری اسلامی افغانستان » به ثبت رسیده است و به اقتضای منافع شخصی و خصوصی صاحب نظران آنرا بنام دولت مشروع و منتخب مردم افغانستان می خوانند و تا هنوز هم در ارزیابی ها و تحلیل های این جماعت اشارتاً نیز از وجود رسوبات آن مناسبات تنگاتنگی که میان سازمان جهنمی و تروریستی القاعده و شبکه های استخباراتی کشورهای غربی بویژه ایالات متحده امریکا و انگلیس موجود بود یاد آوری نه شده است . در حالیکه اسناد و مدارک مؤثق

نشاندهنده این حقیقت اند که انگیزه دهنده گان و طراحان اصلی پروژه تروریزم و تشکیلاتی بنام القاعده همان تبهکاران پنتاگون ، سازمان استخباراتی ایالات متحده امریکا یعنی (C.I.A) ، شبکه های جاسوسی کشورهای منطقه مانند سازمان استخبارات نظامی پاکستان (I.S.I) سازمان های امنیت انگلیس MI6 و MI5 و سائر سازمان های خورد و بزرگ اطلاعاتی دنیا بوده اند که پس از ختم جنگ سرد و سقوط رژیم دست نشانده اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان و ترک منطقه از سوی برخی شبکه های اطلاعاتی و امنیتی دنیا با تشویق و ترغیب برخی از حلقات مغرض منظوقی که دارای اهداف استراتژیک و جیوپولیتیک در افغانستان بودند بر مبنای همان هسته های عربی که بنام «عرب های افغان» مسمی شده بودند سازمانی را بر مبنای اندیشه های امام ابن تیمیه بنام «القاعده» پایه گذاری نمودند این گروه بین المللی تروریستی القاعده (Al-Qaeda) ، نام تشکیلات بین المللی تروریستی بنیادگرایی اسلامی است که متشکل از شبکه های تروریستی اسلامی گوناگونی است که همگی در راستای کاهش تأثیرات و دخالت های غیرمسلمانان بر دنیای اسلام و گسترش اسلام در جهان مبارزه می کنند. اکثریت اعضا شبکه القاعده خود را پیرو مسلک سلفی می دانند. رسانه های گروهی غرب از اسامه بن لادن یک تصویر کاریکاتور مانند و وحشتناکی ارائه میکنند ، واقعیت این است اسامه بن لادن که درلست سیاه سازمان ملل متحد و ایالات متحده امریکا قرار دارد فردی است که در جریان جنگ بر علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق به کمک سازمان اطلاعات مرکزی امریکا برای مبارزه با اشغالگران شوروی وقت به خدمت گرفته شد. سازمان استخبارات مرکزی امریکا یعنی C.I.A و سرویس اطلاعاتی نظامی پاکستان موسوم به I.S.I تصمیم گرفته بودند که جنگ در افغانستان را به جهاد تمامی جهان اسلام با اتحاد جماهیر شوروی مبدل سازند ، و به همین منظور نیز تنها میان سال های ۸۲ تا ۹۲ سی و پنج هزار جنگجویان بنیادگرا را از تقریباً چهل کشور اسلامی گردهم آوردند و دهها هزار تن نیز در مدارس مذهبی پاکستان برای کسب آموزش علوم مذهبی جابجا گردیدند و به قول برخی از آگاهان بیش از یکصد هزار مسلمانان تندرو در جنگ افغانستان بر علیه نیروهای اشغالگر روسی اشتراک کرده بودند. جالب ترین بخشی از دیپلوماسی در این میان مصاحبه جالب و نهایت پُر معنای آقای برژنسکی Briziznki مشاور امنیت ملی دولت کارتر و مشاور کنونی آقای اوباما میباشد که در یک مصاحبه مطبوعاتی در سال ۱۹۹۸ در زمینه تأیید حمایت از مجاهدین افغان را پس از مروری بر عوامل و انگیزه های رویاروی دو ابرقدرت در افغانستان در پاسخ به یک سوالی از خبرنگار که : آقای برژنسکی ! حتی از این هم متأسف نیستید که به بنیاد گرایان اسلامی از حیث سلاح و آموزش کمک کردید و بعد آنها به تروریست ها تبدیل شدند ؟ برژنسکی در جواب این پرسش خبرنگار چنین پاسخ داد : تأسف برای چه ؟ از نگاه تاریخی چه چیز با ارزش تر است ؟ طالبان یا فروپاشی اتحاد شوروی ؟ عصیان چند مسلمان یا آزادی اروپای شرقی و پایان جنگ سرد ؟ از اظهارات صریح و بی پرده آقای برژینسکی بخوبی هویدا میشود که بخشی از فعالیت های مخفی سازمان اطلاعات مرکزی امریکا C.I.A و دیگر همکاران منظوقی آنها

یعنی سازمان اطلاعات نظامی پاکستان **I.S.I** و سازمان های که ناخواسته وبدون تأمل لازم همچون سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی ایران و سپاه قدس ، در دام سیاست های استراتژیک پاکستان افتیدند

ادامه دارد